Preview (1 / 10) - ketabton.com



Preview (2 / 10) - ketabton.com

آیا شما امشب یک اتاق یک نفره دارید؟	Have you got a single room for tonight
مایلم در اتاق دونفره بمانم.	I'd like to stay in a double room
می خواهم برای هفته آینده یک اتاق رزرو کنم	I'd like to make a reservation for next week
آیا حتما باید از قبل اتاق رزرو کنم؟	Is it necessary to book ahead
آیا هزینه ای اضافی برای تخت های دونفره می گیرید؟	Do you charge extra for two beds
آیا در این هتل رستوران دارد؟	Is there a restaurant in the hotel
آیا تمامی اتاق ها یخچال دارند؟	Do the rooms have refrigerators
اتاق دو تخته دارید؟	Do you have a twin-bedded room
امکانش هست برای ما اول و دوم می رزرو کنید؟	Could you book us in for the first and second of May
آیا اتاق ارزان تری هم دارید	Do you have any cheaper rooms
برای چه تاریخی می خواهید؟	What date are you looking for
تمامی اتاق های این هتل رزرو شده است.	This hotel is fully booked up
چه مدت می خواهید در هتل بمانید؟	How long are you going to stay at our hotel
برای 5 روز در هتل می مانم	I am going to stay for 5 days
لطفا قبل از ترک هتل حساب تان را تسویه کنید	Please settle your bill before leaving the hotel
می خواهم با پول نقد/ کارت اعتباری/ چک مسافرتی حسابم را پرداخت کنم	I'd like to pay in cash/by credit card/by traveler's cheque
ممنونم از امکانات هتل به طور کامل استفاده کردیم.	Thank you, I took full advantage of the hotel's facilities
آیا اتاق خالی دارید؟	Do you have any vacancies
لطفا ممکن است کلید را به من بدهید؟	Can you give me my keys
دیگر هیچ وقت به این هتل نمی آیم. افتضاح بود	I'm never coming to this hotel again. It was an absolute hell-hotel

Preview (3 / 10) - ketabton.com

اتاقی میخواید که سیگار کشیدن مشکل نداشته باشه یا نه ؟	Do you want a smoking room or a non smoking room
واقعا شرم آوره که شهری به این بزرگی یک هتل خوب نداره.	It’s disgraceful that a town of this size should not have a single decent hotel.
اتاق شبی چند است؟	How much is the room per night
آیا ممکن است اسباب و اثاثیه مان را بالا بفرستید؟	will you have our luggage sent up
لطفا گارسون/ خدمتکار را بفرستید	Please send the chambermaid/ waiter
چقدر می خواهید بپردازید؟	How would you like to pay
اتاق شما طبقه دوم سمت چپ می باشد	Your room is on the second floor on the left
می تونم کمک دیگه ای بهتون بکنم	Is there anything else I can do for you
آسانسور کجاست؟	Where is the elevator
یک اتاق رو به دریا می خوام	I want a room with a see view
بله من فین هستم چطور می تونم کمکتون کنم	Receptionist:Yes, I am Finn. How may I help you
می خواهم یک اتاق برای فردا رزرو کنم	Caller: I’d like to book a room for tomorrow
چند نفرید؟	Receptionist:For how many people
فقط خودم هستم	Caller: Just me
میشه اسمتونو کامل بگید؟	Receptionist: Okay Sir. What’s your complete name, please
راف هوگس.هزینه کل چقد میشه؟	Caller: Rouf Hughes. What is the total cost
شبی 120 دلار میشه	Receptionist: That would be $120 per night
مشکلی نیست. یک اتاق برای یک شب برای من رزور کنید	Caller: No problem. Book the room for one night, please
می تونم شماره تماستون را داشته باشم؟	Receptionist: Sure, may I know your cell phone number

Preview (4 / 10) - ketabton.com

حتما, 345344	Caller: Yes, it's 345 344
ممنونم چطور هزینه تان را پرداخت می کنید	Receptionist: Thank you. How would you like to pay
از کارت اعتباری پرداخت می کنم	Caller: I can pay through credit card
بسیار خوب, من ده دقیقه دیگر برای تایید کردن اتاق رزرو شده با شما تماس خواهم گرفت	Receptionist: Okay. I will call you back in about 10 minutes to confirm your booking
خیلی ممنونم.	Caller: Thank you very much
آیا شما انگلیسی صحبت می کنید؟	Do you speak English?
اسم من .... است.	My name is…
میشه یکم آروم تر صحبت کنید؟	Can you speak more slowly?
کجا می توانم یک اتوبوس/تاکسی پیدا کنم؟	where can I find a bus/taxi?
کجا می تونم قطار / مترو پیدا کنم؟	where can I find a train/metro?
میشه لطفا منو به فرودگاه برسونی؟	Can you take me to the airport please?
چقدر میشه؟	How much does it cost?
آیا شما کارت های اعتباری هم قبول می کنید؟	?Do you take credit card
نزدیک ترین توالت کجا میشه؟	Where is the nearest bathroom?
کجا می توانم چیزی را برای خوردن پیدا کنم؟	Where can I get something to eat?
میشه تو نقشه بهم نشون بدی چطور می تونم به آنجا برسم؟	Can you show me on a map how to get there?
میشه لطفا آن را یادداشت کنید؟	Will you write that down for me?
من به کمک نیاز دارم.	I need help
گم شده ام.	I'm lost
من یک شهروند ایرانی هستم.	I am an Iranian citizen
لطفا با سفارت ایران تماس بگیرید.	Please call the Iranian Embassy
لطفا با پلیس تماس بگیرید.	Please call the police

Preview (5 / 10) - ketabton.com

من یک دکتر نیاز دارم.	I need a doctor
گروه خونم ..... است.	My blood type is
من به .... حساسیت دارم.	I’m allergic to

Preview (6 / 10) - ketabton.com

1. He answered all the questions correctly.	۱. او به همه سوالات به درستی پاسخ داد.
2. We waited there for her, but you didn't.	۲. ما در آنجا منتظرش شدیم، اما تو نه.
3. She passed away two days ago.	۳. او دو روز پیش فوت کرد.
4. The train arrived ten minutes late.	۴. قطار ده دقیقه دیر رسید.
5. By the way, How is your grandmother?	۵. راستی، مادربزرگت چطوره؟
6. I enjoyed the lunch very much.	۶. از ناهار خیلی لذت بردم.
7. It was very cold last night.	۷. دیشب هوا خیلی سرد بود.
8. My father used to smoke a lot.	۸. سابقاً پدرم خیلی سیگار می‌کشید. (اشاره به کاری که قبلاً انجام می‌شده ولی حالا نه)
9. He wasn't at work yesterday.	۹. او دیروز سرِ کار نبود.
10. We used to live in Shiraz.	۱۰. قبلاً در شیراز زندگی می‌کردیم.
11. Where was your husband yesterday?	۱۱. دیروز شوهرت کجا بود؟
12. I called you several times, but the line was busy.	۱۲. چند بار به شما زنگ زدم ولی تلفن اشغال بود.
13. He didn't answer all the questions correctly.	۱۳. او به همه سوالات به درستی پاسخ نداد.
14. How did you catch cold in this warm weather?	۱۴. چگونه در این هوای گرم سرما خوردی؟
15. Did he answer all the questions?	۱۵. آیا او به همه سوالات به درستی پاسخ داد؟
16. I'm not sure exactly where I put it.	۱۶. دقیقاً مطمئن نیستم که آن را کجا گذاشتم.
17. I didn't mean to upset you.	۱۷. نمی‌خواستم (قصد نداشتم) که شما را ناراحت کنم.
18. Where did you put it?	۱۸. آن را کجا گذاشتی؟
19. What do you mean?	۱۹. منظورت چیه؟
20. I was sick yesterday.	۲۰. دیروز مریض بودم.
21. They were here on business.	۲۱. آن‌ها برای کار اینجا بودند. (آن‌ها برای کار اینجا آمده بودند.)
22. We were at home last night.	۲۲. ما دیشب در خانه بودیم.
23. Weren't they here on vacation last year?	۲۳. آیا آن‌ها پارسال برای تعطیلات ایجا نبودند؟ (نیامده بودند؟)
24. Weren't you at the mosque last night?	۲۴. آیا دیشب در مسجد نبودید؟
25. What day was yesterday? It was Friday.	۲۵. دیروز چه روزی بود؟ (دیروز چند شنبه بود؟) جمعه بود.
26. I saw him this morning.	۲۶. امروز صبح، او را دیدم. (دیدمش.)
27. He said nothing.	۲۷. او هیچ چیز نگفت. (← جمله دارای فعل مثبت ولی مفهوم منفی است.)
28. When did you see him?	۲۸. چه موقع او را دیدی؟ (کِی دیدیش؟)
29. Whenever I went there, he was working.	۲۹. هر وقت به آنجا می-رفتم، او مشغول کار کردن بود.
30. The nurses came, but the doctor didn't.	۳۰. پرستارها آمدند ولی دکتر نه .
31. He was talking and writing at same time.	۳۱. در یک زمان او هم مشغول نوشتن بود و هم مشغول صحبت کردن.
32. We were playing football.	۳۲. ما در حال فوتبال بازی کردن بودیم. (ما داشتیم فوتبال بازی می‌کردیم.)
33. She was riding the lesson three.	۳۳. او در حال درس خواندن بود. (او داشت درس می‌خواند.)
34. What were you doing two hours ago?	۳۴. دو ساعت پیش، مشغول چه کاری بودید؟ (چیکار می‌کردید؟)
35. What was she doing?	۳۵. او مشغول انجام چه کاری بود؟ (او چیکار می‌کرد؟)
36. They were eating their Breakfast at that moment.	۳۶. در آن لحظه، مشغول خوردن صبحانه‌شان بودند (داشتند صبحانه‌شان را می‌خوردند).
37. I was helping my mother.	۳۷. مشغول کمک کردن به مادرم بودم. (داشتم به مادرم کمک می‌کردم.)
38. What were they doing?	۳۸. آن‌ها مشغول انجام چه کاری بودند؟ (آن‌ها چیکار می‌کردند؟)
39. The sun was shine.	۳۹. خورشید در حال درخشیدن بود. (خورشید داشت می‌درخشید.)
40. We were racing.	۴۰. ما در حال مسابقه دادن بودیم. (ما داشتیم مسابقه می‌دادیم.)
41. He was washing and cleaning his car from eight to ten.	۴۱. او از شاعت ۸ تا ۱۰ در حال شستن ماشین بود. (داشت ماشین می‌شست.)
42. Ali was sitting next to me.	۴۲. علی کنار من نشسته بود (در حال نشستن بود).
43. What was your father doing yesterday morning?	۴۳. دیروز صبح، پدرت مشغول چه کاری بود؟ (پدرت چیکار می‌کرد؟)
44. Was Ali standing near the window?	۴۴. آیا علی نزدیک پنجره استاده بود؟
45. I was peaking to them, as they were walking.	۴۵. من داشتم با آن صحبت می‌کردم، همانطور که آن‌ها قدم می‌زدند.
46. 1. It's getting late. 2. It's getting dark. 3. I'm getting late.	۴۶. ۱. داره دیر می‌شه. ۲. داره تاریک می‌شه. ۳. داره دیرم میشه.
47. When they went, It was getting dark.	۴۷. وقتی آن‌ها رفتند، هوا داشت تاریک می‌شد.
48. I left my papers.	۴۸. مدارک‌هایم را جا گذاشتم.
49. We were Shopping all the morning.	۴۹. تمام صبح مشغول خریدکردن بودیم. (تمام صبح داشتیم خرید می‌کردیم.)
50. Why did you come back so soon?!	۵۰. چرا به این زودی برگشتی؟

Preview (7 / 10) - ketabton.com

51. Where were you going this morning?	۵۱. امروز صبح کجا داشتید می‌رفتید؟
52. He is getting thin and I am getting fat.	۵۲. او درحال لاغر شدن است و من در حال چاق شدن هستم.
53. He was cutting the trees.	۵۳. او مشغول بریدن درخت‌ها بود. (او داشت درخت‌ها را می‌برید.)
54. My secret is : "you have a big mouth."	۵۴. راز من این است : " تو یک دهن‌گشاد (دهن‌لق) هستی."
55. Amir was not swimming in the pool.	۵۵. امیر مشغول شنا کردن در استخر نبود.
56. The cake is ready, you can turn the oven off.	۵۶. کیک آماده است، تو می‌توانی اجاق را خاموش کنی.
57. May I turn on the light and turn the radio down.	۵۷. ممکن است لامپ را روشن کنم و رادیو را کم کنم؟
58. 1. Turn on 2. Turn off 3. Turn up 4. Turn down	۵۸. ۱. روشن کردن ۲. خاموش کردن ۳. زیاد کردن (صدا) ۴. کم کردن (صدا)
59. Let me see if he is here or not.	۵۹. (به من) اجازه دهید تا ببینم آیا او اینجا هست یا نه.
60. He is really good at it, Good job!	۶۰. او واقعاً در آن کار وارد است، (به شخص کناری) کارتان خوب بود! (به خود شخص)
61. May I speak to Mr. X? It is very urgent.	۶۱. ممکن است با آقای ایکس صحبت کنم؟ خیلی فوری است.
62. This is just what I was locking for.	۶۲. این درست همان چیزی است که دنبالش می‌گشتم.
63. May I leave the classroom?	۶۳. ممکن است از کلاس بروم بیرون؟
64. May I be excused?	۶۴. ممکن است بروم بیرون؟ (⬅یک اصطلاح است به معنای عذر خواهی برای ترک محل)
65. Excuse me, May I use your phone?	۶۵. ببخشید، می‌توانم از تلفن شما استفاده کنم؟
66. Of course! You can Trust me.	۶۶. البته! تو می‌توانی به من اعتماد کنی.
67. May I sit here? / Can I sit here?	۶۷. ممکن است اینجا بشینم؟ / می‌توانم اینجا بشینم؟
68. Can you keep a secret?	۶۸. آیا می‌توانی یک راز نگه داری؟
69. May I come in? / Can I come in?	۶۹. ممکن است بیام داخل(داخل شوم)؟ / می‌توانم داخل شوم؟
70. Good job! / Great job! / Well done!	۷۰. کارتان خوب بود! / خسته نباشید! (⬅ بعد از دیدن کاری رضایت بخش گفته میشود.)
71. They may Come here next week.	۷۱. ممکن است آنه هفته آینده به اینجا بیایند.
72. I am good at physics and he is good at playing piano.	۷۲. من در فیزیک خوبم (مهارت دارم) و او در پیانو زدن مهارت دارد.
73. I may see him tomorrow.	۷۳. ممکن است فردا او را ببینم.
74. What are you good at?	۷۴. شما در چه کاری خوب هستید (مهارت دارید)؟
75. I can hardly speak Arabic.	۷۵. من به زحمت می‌توانم عربی صحبت کنم.
76. Do you know him / Her? No, I don't think so.	۷۶. آیا او را می‌شناسی؟ نه، اینطور گمان نمی‌کنم.
77. I am not sure I can pass it.	۷۷. مطمئن نیستم که بتوانم آن (درس) را پاس کنم (قبول شوم).
78. 1. No, I don't think so. 2. Yes, I think so. 3. I hope so.	۷۸. ۱. نه، اینطور گمان نمی‌کنم. ۲.بله، اینطور فکر می‌کنم. ۳. امیدوارم (اینطور باشد)
79. Did you pass the mathematical?	۷۹. آیا (درس) ریاضی را پاس کردی (قبول شدی)؟
80. Is he a good coach? I hope so.	۸۰. آیا او یک مربی خوب است؟ امیدوارم اینطور باشد. (نمی‌دانم، ولی امیدوارم)
81. I am sorry, I can't. / I am afraid, I can't.	۸۱. متاسفم، نمی‌توانم. (⬅ در پاسخ به تقاضایی که قادر به انجام آن نباشیم گفته می‌شود.)
82. Just do what I do!	۸۲. درست هر کاری که می‌کنم، انجام بده.
83. Can you come to my friend's house tonight?	۸۳. آیا امشب می‌توانی به منزل دوست من بیایی؟
84. Just tell me what to do?	۸۴. فقط به من بگویید که چیکار باید بکنم؟ (یعنی مطمئن باشید که انجام می‌شود.)
85. He can easily solve these problems.	۸۵. او به راحتی می‌تواند این مسئله را حل کند.
86. I think this food is spoiled.	۸۶. فکر کنم این غذا فاسد شده است.
87. You should not lift heavy things by yourself.	۸۷. تو نباید اشیای سنگین را به تنهایی بلند کنی.
88. Please pay the cashier.	۸۸. لطفاً به صندوقدار بپردازید. (پول چیزهایی که خریده‌اید یا خورده‌اید.)
89. One should try not to tell a lie.	۸۹. آدم باید سعی کند که دروغ نگوید.
90. Should I pay here?	۹۰. آیا باید همینجا بپردازم. (پول چیزهایی که خریده‌ام یا خورده‌ام.)
91. You should eat more fruits.	۹۱. تو باید بیشتر میوخ بخوری.
92. You should see a doctor.	۹۲. تو باید بروی دکتر. (⬅ در انگلیسی می‌گویند : تو باید دکتر را ببینی.)
93. One should pay his debts.	۹۳. انسان باید بدهی‌هایش را بپردازد.
94. 1. It's time to sleep. 2. It's time to get up.	۹۴. ۲. وقت خوابه. ۳. وقت بیدار شدنه.
95. It was a bad game. They all played badly.	۹۵. بازی بدی بود. آن ها همگی بد (به بدی) باز کردند.
96. Now, we are even.	۹۶. حالا بی حساب شدیم. (⬅ هنگام تلافی، انتقام و یا تسویه حساب مالی گفته میشود.)
97. The students sat silently on the benches.	۹۷. دانش‌آموزان ساکت روی نیمکت‌ها نشسته بودند.
98. It's hard to solve.	۹۸. حل کردنش سخته.
99. You were a good boy, You spoke well too.	۹۹. تو پسر خوبی بودی،خوب هم صحبت می‌کردی. (در زمان شیره مالیدن بکار مرود..!)
100. It was made in china. (made in China)	۱۰۰. آن ساخت چین است.

Preview (8 / 10) - ketabton.com

101. He was a hard worker. He worked hard.	۱۰۱. او کارگر سخت‌کوشی بود.(صفت) او سخت کار می‌کرد.(قید)
102. Where was it made?	۱۰۲. آن ساخت کجاست؟
103. You were a better employee, because you worked better.	۱۰۳. تو کارمند بهتری بودی.(صفت) چون بهتر کار می‌کردی.(قید)
104. My ring is made of gold.	۱۰۴.حلقه من از طلا ساخته شده است.
105. He was a fast driver. He drove fast.	۱۰۵. او یک راننده سریع بود.(صفت) او با سرعت رانندگی می‌کرد.(قید)
106. What is it made of?	۱۰۶. آن از چی ساخته شده است؟ (جنسش از چیست؟)
107. He was a careless driver. He always drove carelessly.	۱۰۷. او راننده بی احتیاطی بود. او همیشه با احتیاط رانندگی می‌کرد.
108. This is out of my hand.	۱۰۸. از عهده من خارج است. / از دست من کاری بر نمی‌آید.
109. He is a careful driver. He always drive carefully.	۱۰۹. او راننده با احتیاطی است. او همیشه با احتیاط رانندگی می‌کند.
110. What date is today. It is the eight.	۱۱۰. امروز چندم است؟ هشتم است.
111. He is a good. Slow and careful driver.	۱۱۱. او یک راننده خوب، آهسته و با احتیاط است. (۳ صفت برای توصیف راننده)
112. It'll snow tonight. (It will snow tonight.)	۱۱۲. امشب برف خواهد بارید
113. We'll be there the day after tomorrow. (We will … .)	۱۱۳. پس فردا آن‌جا خواهیم بود.
114. We'll see. (We will see.)	۱۱۴. خواهیم دید. (بعداً معلوم میشه.)
115. Our team will have a game next Monday.	۱۱۵. تیم ما دوشنبهٔ آینده بازی خواهد داشت.
116. We'll win you tomorrow. (We will … .)	۱۱۶. فردا از شما می‌بریم. (فردا برنده خواهیم شد.)
117. They'll close the shops on Saturday. (They will … .)	۱۱۷. آن‌ها روز شنبه مغازه‌ها را خواهند بست.
118. I'll see what I can do for you. (I will … .)	۱۱۸. ببینم چه کار می‌توانم برایتان انجام دهم. (نشان دهنده تلاش)
119. The boss won't see anybody till Sunday. (will not)	۱۱۹. رییس تا یک شنبه هیچکس را نخواهد دید. (وقت ملاقات نمی‌دهد.)
120. It's only 2 minutes walk.	۱۲۰. فقط دو دقیقه راه پیاده را است.
121. What time will they return?	۱۲۱. چه ساعتی بر می‌گردند؟ (چه وقت بر خواهند گشت؟)
122. How long will it take?	۱۲۲. چه مدت طول می‌کشد؟ (زمان رسیدن به محل مورد نظر یا انجام کار مورد نظر)
123. They will come back (home) very soon.	۱۲۳. آن‌ها خیلی زود (به خانه) بر خواهند گشت.
124. I'll do it for you. (I will … .)	۱۲۴. برایت انجامش خواهم داد.
125. My father will sell the car as soon as he can.	۱۲۵. پدرم به محض این که بتواند آن ماشین را خواهد فروخت.
126. I am sure he will not accept it.	۱۲۶. مطمئن هستم قبول نخواهد کرد.
127. My father will buy a house as soon as possible.	۱۲۷. پدرم به محض این که امکان داشته باشد، خانه‌ای خواهد خرید.
128. If it rains, you'll get wet. (you will)	۱۲۸. اگر باران ببارد، خیس خواهی شد.
129. Seller: "Try this one." Buyer: "How much is it?"	۱۲۹. فروشنده : "این یکی را امتحان کن." خریدار : "قیمت آن چقدر است؟"
130. It is getting cold.	۱۳۰. هوا در حال سرد شدن است.
131. How many do you need? Only a few.	۱۳۱. چند تا احتیاج داری؟ فقط یک چندتایی.
132. Don't be nervous, everything will be ok.	۱۳۲. نگران نباش، همه چیز درست می‌شود.
133. I spend only a little time on English last night.	۱۳۳. دیشب فقط یک کمی روی انگلیسی وقت گذاشتم. (وقت صرف کردم.)
134. I have an interview tomorrow.	۱۳۴. فردا مصاحبه دارم.
135. How much time did you spend on English last night?	۱۳۵. دیشب چه مدت، روی انگلیسی وقت گذاشتی؟ (صرف انگلیسی کردی؟)
136. Sorry to bother you.	۱۳۶. ببخشید که مزاحمتان می‌شوم.
137. There are some books on the shelf.	۱۳۷. روی قفسه چند تایی کتاب وجود دارد.
138. Let me have a look at the mark list.	۱۳۸. به من اجازه دهید یک نگاهی به لیست نمره‌ها بیندازم.
139. How many books are there on the shelf?	۱۳۹. روی قفسه چند تا کتاب وجود دارد؟
140. Whose turn is it? It's my turn.	۱۴۰. نوبت کیه؟ نوبت من است.
141. There is some tea in the tea-pot.	۱۴۱. مقداری چای در قوری وجود دارد.
142. What is the meaning of this word, pleas?	۱۴۲. معنی این لغت چیست، لطفا؟
143. How many students are there absent today? Only a few.	۱۴۳. امروز چند نفر غایب هستند؟ فقط یک چند تایی.
144. I am sorry, It was all my fault.	۱۴۴. متاسفم، تمامش تقصیر من بود.
145. He sold a lot of books the day before yesterday.	۱۴۵. او پریروز کتاب‌های زیادی فروخت.
146. Whose fault was it?	۱۴۶. تقصیر چه کسی بود؟
147. There is some oil in the bottle.	۱۴۷. مقداری روغن داخل بطری هست. (روغن غیر قابل شمارش بوده و با فعل مفرد می‌آید.)
148. Why don't you take your coat off?	۱۴۸. چرا کُتت را در نمی‌آوری؟
149. There is some honey in the jar.	۱۴۹. مقداری عسل در شیشه هست. (عسل غیر قابل شمارش بوده و با فعل مفرد می‌آید.)
150. Excuse me. What time do we take off?	۱۵۰. ببخشید. ساعت چند پرواز می‌کنیم. (هواپیما ساعت چند بلند می‌شود.)

Preview (9 / 10) - ketabton.com

151. There is some water in the pitcher.	۱۵۱. مقداری آب در پارچ هست.
152. You have to take a pill every 8 hours.	۱۵۲. باید هر هشت ساعت یک قرص میل کنید. (دکتر به مریض)
153. How many onions are there on the table?	۱۵۳. چه تعداد پیاز روی میز وجود دارد؟
154. How many times a day should I take it?	۱۵۴. چند بار در روز باید آن را بخورم؟ (مثلا قرص)
155. Let's take a taxi. / Let's catch a taxi.	۱۵۵. اجازه بده تاکسی بگیریم. / بیا تاکسی بگیریم.
156. There is a fault in the electrical system.	۱۵۶. سیستم الکتریکی ایراد دارد.
157. I usually see him in the street every day.	۱۵۷. من معمولاً او را هر روز در خیابان می‌بینم.
158. You are spoiling her.	۱۵۸. شما دارید او را لوس می‌کنید. (مثلاً دخترتان را)
159. There isn't any oil in the bottle.	۱۵۹. هیچ روغنی در بطری نیست. (← در جملات منفی به جای some ، پیشوند any می‌آید.)
160. Stop telling me what to do.	۱۶۰. اینقدر به من نگو چه کار کنم، چه کار نکنم. (اینقدر به من دستور نده.)
161. Is it there any oil in the bottle?	۱۶۱. آیا هیچ روغنی در بطری هست؟(← در جملات سوالی به جای some ، پیشوند any می‌آید)
162. He is very nervous.	۱۶۲. او خیلی عصبی هست.
163. He taught me English every other day.	۱۶۳. او یک روز در میان به من انگلیسی یاد می‌داد.
164. It is me. (It's me.)	۱۶۴. من هستم. (کسی که در می‌زند یا می‌آید داخل من هستم)
165. I spoke to them in English.	۱۶۵. من با آن‌ها انگلیسی صحبت کردم.
166. Who is that? / Who is it? (Who's that? / Who's it?)	۱۶۶. کیه؟ (از پشت در یا پشت تلفن)
167. He wrote a letter to us last week.	۱۶۷. او هفته پیش یه نامه برای ما نوشت.
168. Have you an extra pen? / Do you have an extra pen?	۱۶۸. مداد اضافه داری؟
169. I always stopped by every other week.	۱۶۹. من همیشه یک هفته در میان به او سر می‌زدم.
170. If I get a chance, I'll do it for you.	۱۷۰. اگر فرصتی پیدا کنم برایت انجامش می‌دهم.
171. How often did you drop by your grandmother?	۱۷۱. هر چند وقت به چند وقت به مادربزرگت سر می‌زدی؟ (هر چند وقت یکبار ...؟)
172. The car of Maryam's mother is blue.	۱۷۲. ماشین مادر مریم آبی است. (← ارتباط اشیا به کمک Of)
173. He always comes to school late.	۱۷۳. او همیشه دیر به مدرسه می‌آید.
174. 1.Whose is this? 2. Whose is this one? 3.Whose is this blue one?	۱۷۴. ۱. این مالِ کیه؟ ۲. این یکی مالِ کیه؟ ۳. این یکی آبیه مالِ کیه؟
175. We usually get up at 10 o'clock on Fridays.	۱۷۵. ما معمولا جمعه‌ها ساعت ۱۰ بیدار می‌شویم.
176. Maryam's mother's car is blue.	۱۷۶. ماشین مادر مریم آبی است. (← ارتباط اشیا بدون Of)
177. She seldom comes here.	۱۷۷. او به ندرت اینجا می‌آید. (← ظاهر جمله مثبت ولی مفهوم آن منفی است.)
178. The table of the kitchen is round.	۱۷۸. میز آشپزخانه گرد است. (← ارتباط اشیا به کمک Of)
179. Why doesn't she drop by us sometimes?	۱۷۹. چرا گاهی اوقات به ما سر نمی‌زند؟
180. The kitchen table is round.	۱۸۰. میز آشپزخانه گرد است. (← ارتباط اشیا بدون Of)
181. We are always happy, but they are seldom happy.	۱۸۱. ما همیشه خوشحال هستیم ولی آن‌ها ندرت خوشحال هستند.
182. Do you have the key of the main door?	۱۸۲. آیا کلید درب اصلی را دارید؟
183. I don't often go home late.	۱۸۳. من اغلب دیر به خانه نمی‌روم.
184. Do you have main door key?	۱۸۴. آیا کلید درب اصلی را دارید؟
185. My friend is never in his office.	۱۸۵. دوستم هیچ وقت در دفتر کارش نیست. (کلمه never مفهوم جمله را منفی کرده)
186. Keep out of reach of children.	۱۸۶. دور از دسترس بچه‌ها نگه دارید. (توصیه‌های دارویی و ایمنی)
187. You never clean the blackboard.	۱۸۷. شما هیچ گاه تخته سیاه را پاک نمی‌کنید.
188. Whose mother's car is blue?	۱۸۸. ماشین مادر چه کسی آبی است؟
189. I often get up early in the morning.	۱۸۹. من اغلب صبح زود از خواب بیدار می‌شوم.
190. Whose car is blue?	۱۹۰. ماشین چه کسی آبی است؟
191. It isn't main, perhaps it is Ahmad's.	۱۹۱. مال من نیست، شاید مال احمد باشد.
192. Expiry date. / EXP. Date	۱۹۲. تاریخ انقضا (آخرین مهلتِ مصرف دارو یا ...)
193. Parvin's book is lost.	۱۹۳. کتاب پروین گم شده است.
194. Product date = Pro. Date / Manufacturing date = Mfg. Date	۱۹۴. تاریخ تولید (تاریخ ساختِ دارو یا ...)
195. Whose book is lost?	۱۹۵. کتاب چه کسی گم شده است؟
196. Store below 30^0 in dry and cool place in the box.	۱۹۶. در دمای زیر ۳۰ درجه، در جای خشک و خنک، در داخل جعبه نگهداری شود.
197. They worked well, fast, hard and carefully.	۱۹۷. آن‌ها به خوبی، با سرعت، سخت کوشانه و به دقت کار می‌کردند. (۴ قید برای توصیف فعل)
198. Protect from direct light, humidity and freezing.	۱۹۸. از نور مستقیم، رطوبت و یخ زدگی محافظت شود. (توصیه‌های ضروری)
199. Please fasten your seat belt.	۱۹۹. لطفاً کمربندها را ببندید. (در کنار جاده، هواپیما و یا بعضی اتومبیل ها نوشته شده)
200. 1. See you later... 2. Just between us ... 3. Oh, I see.	۲۰۰. ۱. می‌بینمت. ۲. فقط بین خودمان باشد. ۳. آهان، فهمیدم. (که اینطور!)

Preview (10 / 10) - ketabton.com

In The Name Of God

1. 1. Welcome! 2. You're welcome.	۱. ۱. خوش آمدید! ۲. خواهش می‌کنم. / اختیار دارید. / قابلی نداشت.
2. 1. It's sunny here. 2. It's cloudy there. 3. The air is dirty today.	۲. ۱. اینجا هوا آفتابی است. ۲. آنجا هوا ابری است. ۳. هوا امروز آلوده است.
3. 1. Do you remember his name? 2. No, I don't. 3. Yes, I do.	۳. ۱. اسمش یادت هست؟ ۲. نه، یادم نیست. ۳. آره، یادمه.
4. 1. It's rainy. 2. It's snowy. 3. It's foggy.	۴. ۱. هوا بارانی است. ۳. هوا برفی است. ۴. هوا مه آلود است.
5. 1. What is his name? 2. What is her name?	۵. ۱. اسمش چیه؟ (مذکر) ۲. اسمش چیه؟ (مونث)
6. Leave me alone.	۶. تنهام بذار!
7. Don't touch it. 2. Don't touch them.	۷. ۱. به آن دست نزن. ۲. به آن‌ها دست نزن.
8. Guess what!? 2. Oh boy! That's great!	۸. ۱. حدس بزن چی شده!؟ ۲. آخ جون ! عالیه!
9. Where is my cell-phone?	۹. تلفن همراه من کجاست؟
10. Stay there, I'll come and pick you up.	۱۰. همان جا بمانید، می‌آیم و شما را می‌آورم.
11. Sorry, I got stuck in the traffic.	۱۱. متاسفم، در ترافیک گیر افتادم.
12. 1. Can you spell it? 2. How do they spell it?	۱۲. ۱. می‌تونی آن را هجی کنی؟ ۲. چطور آن را هجی می‌کنند؟
13. 1. Kids! It's snowing!!! 2. Look! It's hailing!!!	۱۳. ۱. بچه ها! داره برف می‌باره!!! ۲. نگاه کنید! داره تگرگ می‌باره!!!
14. 1. It's very late! 2. I'm very late!	۱۴. ۱. خیلی دیر شده! ۲. خیلی دیرم شده!
15. 1. It's getting Late! 2. It's getting dark! 3. It's getting cold!	۱۵. ۱. داره دیر میشه! ۲. داره تاریک میشه! ۳. داره سرد میشه!
16. What can you say?!	۱۶. چه می‌توانی بگویی؟
17. 1. My class starts at 8 (o'clock). 2. My work starts at 8 (o'clock).	۱۷. ۱. کلاس من ساعت ۸ شروع می‌شود. ۲. کار من ساعت ۸ شروع می‌شود.
18. 1. I don't know. 2. I have no idea.	۱۸. ۱. نمی‌دانم. ۲. نظری ندارم / عقیده‌ای ندارم.
19. You are ('re) lucky! 2. You ('re) are not lucky! 3. You are unlucky!	۱۹. ۱. تو خوش‌شانس هستی! ۲. تو خوش‌شانس نیستی! ۳. تو بدشانسی!
20. 1. Do you agree? 2. Yes, I do. 3. No, I don't.	۲۰. ۱. موافقی؟ ۲. آره، هستم (موافقم). ۳. نه، نیستم (موافق نیستم).
21. Where are my earning? 1. Shoes 2. Socks 3. pants	۲۱. گوشواره‌های من کجا هستند؟ ۱. کفش‌ها ۲. جوراب‌ها ۳. شلوار
22. Take care. / Take care of yourself.	۲۲. مراقب باش. / مراقب خودت باش.
23. Make no difference. / It make no difference.	۲۳. فرقی نمی‌کنه.
24. Be careful! / Watch out!	۲۴. مواظب باش! / احتیاط کن! / بِپّا !
25. Who likes to have macaroni for dinner? me!	۲۵. چه کسی شام ماکارونی می‌خوره؟ من!
26. How Should I make it? Fried eggs or omelet?	۲۶. چه جوری آن را درست کنم؟ نیمرو یا املت؟
27. 1. Is it clear? 2. Am I clear?	۲۷. روشنه؟ واضح گفتم؟
28. That's a great idea!	۲۸. فکر خوبیه!
29. Good job! It was so delicious! The salad was very delicious!	۲۹. دستت درد نکنه! خیلی خوشمزه بود! سالاد خیلی خوشمزه بود!
30. I am so sorry to hear that.	۳۰. از شنیدنش خیلی متأسف شدم.
31. My math book is lost. 2. My theology book	۳۱. ۱. کتاب ریاضی‌ام نیست. ۲. کتاب دینی‌ام
32. His grandmother died in a bus accident.	۳۲. مادربزرگش در یک تصادف اتوبوس در گذشت.
33. 1. What are you looking for? 2. I am looking for my belt.	۳۳. ۱. دنبال چی می‌گردی؟ ۲. دنبال کمربندم می‌گردم.
34. It's ridiculous, isn't it!?	۳۴. مسخره است، نه!؟ / مزخرفه، نه!؟
35. 1.I don't understand. 2. I didn't hear you.	۳۵. ۱. نمی‌فهمم. ۲. نشنیدم (حواسم به تو نبود / یواش گفتی، نشنیدم)
36. Say it again (please).	۳۶. دوباره تکرارش کن (لطفاً).
37. Would you like some tea? I made it a minute ago.	۳۷. چای می‌خوری؟ یک دقیقه پیش درستش کردم (تازه دمه).
38. It's hot! Do we have anything cold to drink?	۳۸. هوا گرمه! آیا چیز خنکی برای نوشیدن داریم؟
39. Wake up, It's around eight...!!!	۳۹. پا شو، ساعت هشت شد...!!!
40. I am awake, What time is it? (I am awake, What is the time?)	۴۰. من بیدارم، ساعت چنده؟
41. It is an old custom here.	۴۱. اینجا این یک رسم قدیمیه.
42. He is Mexican. 2. He is Iranian. 3. He is British.	۴۲. ۱. او مکزیکی است. ۲. ایرانی است. ۳. انگلیسی است.
43. 1. I am very tired. 2. I am fresh. 3. I'm bored.	۴۳. ۱. خیلی خسته‌ام. ۲. سرِ حالم. ۳. کِسِلم.
44. 1. Where is he from? 2. Where is that guy from?	۴۴. ۱. او کجائیه؟ ۲. اون یارو کجائیه؟
45. What can I do for you?	۴۵. چه کاری می‌تونم برات انجام بدم؟ (چه کاری از دست من بر می‌آید؟)
46. 1. What are you doing? 2. What were you doing?	۴۶. چه کار داری می‌کنی؟ ۲. چه کار داشتی می‌کردی؟
47. 1. What are you eating? 2. What were you eating?	۴۷. ۱. چی داری می‌خوری؟ ۲. چی داشتی می‌خوردی؟
48. 1. What are you thinking about? 2. What were you thinking about?	۴۸. ۱. درباره چی داری فکر می‌کنی؟ ۲. درباره چی داشتی فکر می‌کردی؟
49. 1. Where are you going? 2. Where were you going?	۴۹. ۱. کجا داری میری؟ ۲. کجا داشتی می‌رفتی؟
50. 1. Come in please. 2. Help yourself. 3. Here you are.	۵۰. ۱. بفرمائید (داخل). ۲. بفرمائید (میل کنید). ۳. بفرمائید (بگیرید).

PREVIEW

You've reached the end of the preview.

Purchase the full book to continue reading.

Buy this book - ketabton.com

https://ketabton.com/books/UfsZPIBb9PW

Preview on ketabton.com. Rights remain with the author or publisher.